



محرّم الحرام سنه ۱۳۰۱

نمره سینر دهم

قیمت نسخه کتیران سالانه کتومان دو هزار و سیصد و پنجاه تومان

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد



جانب صاحب دیوان

جانب میرزا فیضخان صاحب دیوان که گذشته از قدمت چاکریهای سلاف که پدر بر پدر از نوزادای عظام و چاکران

بزرگ این دلت ابد آیت بوده اند شخص خود را از بذیت چاکری تاکنون مصدرفضات بزرگ دولت و منظر عمل

سلیم و رای صاحب و کمال کفایت و کاردانی نموده است از بدو این عهد هایلون منصب استیفای خاصه دیوان عالی نایل
و کفیل معظمت مشاغل بود تا پس از چندی از روی لیاقت بقب صاحب دیوانی ملقب و در رتبت و وزرای دولت
مرتب شد و اکنون قریب یک فتن است که غالباً بحکومت یا کارگذاری بالاستقلال یکی از ولایات و ممالک
بزرگ محروسه از قبیل حکومت یزد و ایالت عربستان و لرستان و اصفهان پیشکاری مملکت آذربایجان کارگذاری
مملکت فارس منصوب و در دربار دولت سینه در سلک وزرای بزرگ دارالشوری کسری خلک است و همواره
الطاف مخصوص شهبازی و دارای امتیازات بزرگ دولت از شمه مرصع و مثال هایلون و عصا و غیره میباشد

جواب امین لشکر

میرزا قهرمان امین لشکر وزیر فواید عامه که از تربیت یافتگان مایاقت مخصوص این عهد هایلون و از مبادی حال تاکنون
مرجع و مصدر خدمات بزرگ دولت است در سال گذار و دوست و بشاد و پنج منصب سررشته داری کل قشون آذربایجان سرفراز
و در بشاد و شش منصب استیفای نظام و پانصد تومان موجب نایل شد و در بشاد و هفت نشان جمیل سرسبکی یافت و در بشاد و هشت
مرجع کلیه معاملات قشونی آذربایجان و دارای چهار و دوست تومان موجب و در سال گذار و دوست و هشتاد بقب شیر لشکری
و پیشکاری مملکت آذربایجان نایل گردید و نشان و جمیل سربازی یافت و در بشاد و سه بقب نایل امین لشکری و رتبت سرتی اول نایل و
در نود و یک تحویل داری و جوه نظام و مخزن مدارکات قشونی و محاسبات توخانه و غیره بمنزلی دانداز شد در نود و دو عظامی
خطاب جانبی و نشان مثال مبارک و رتبت وزارت دارالشوری سرفراز و پس از چندی بوزارت لکرک ممالک محروسه و در آن
سه هزار تومان موجب و استصوابی نایل و پس از چندی در نود و هفت دوباره بوزارت مملکت آذربایجان با سوره و پس از جهت
برابر اختلاف در نود و نه بوزارت فواید عامه منصوب شد و همواره خدمات مغزنی الیه مایه خوشنودی خاطر همچون شهبازی است
و دارای همه نوع امتیازات بزرگ دولت نیز میباشد

بقیه روزنامه سفر سعادت اثر شاه صاحب سرتی اول ام مکه مبارک

روز سه شنبه نهم رمضان صبح سوار شده در محله پانین بلده از وسط کوچه و بازار گذشته از دره که براه خورت رود بار میرود و بالا

وقتیکه سخت صبحی است ولی راه که از نصفه گذشته دیگر تا سر قلعه بنیت باز از قلعه با طرف راه سنگلاخ و بدست وسط کار
 چشمه آب کمی دارد و در حوالی چشمه کمی هم زراعت کرده اند آنجا پیاده شد مقدری استراحت کرده بعد سوار شده الی قلعه کوه
 آنا از رای که معبده چار و ادار و مکاری بود زرقه زشت مشرق راه بالا رفتیم سر قلعه را پس بدنبود یکت پرنگاهی داشت



جناب امین شکر وزیر فواید

آنا بعد از آن پرنگاه دیگر همه چاره سوار و بسیار خوب است بر اشیب میرود تا بنگله میرسد که دیروز عصر در آنجا پیاده شده
 مقدری استراحت کردیم اگر قدری این راه سخت را بسازند دیگر تا قلعه کوه هیچ زحمتی ندارد و مکاریان عابرین راحت عبور

خوابند که در خلاصه راه سخت را طی کرده تا جمواری رسیدیم و کم کم راه خوب شد قره کبک زیاد می در اینجا بود یک کبک بزرگ
روی هوا زوم عصر وارد منزل شدیم

روز چهارشنبه و پنجم صبح سوار شدیم از رودخانه بالا بطرف پوشش راه کمی طی کرده آنطرف رودخانه که جای کافه
بود بجهت استراحت پیاده شدیم کانه و عریضه جات زیادی جمع شده بود بعد چهار ساعت اوقات صرف کرده بودیم
و جواب نوشتیم این قطعه که بجهت استراحت پیاده شده بودیم از اراضی زراعت قریب یازده است که مال صدیق الدوله است
امروز با زیاد آمد مخصوصا این ذره نور و پوشش و ضغاطوری است که همیشه محل وزیدن باد است عصر وارد منزل شدیم
روز پنجشنبه یازدهم صبح سوار شده کنار رودخانه کمر در در اگر شش مری بالا رفتیم حاصل اینجا خیلی خوب شده هیچ جا کمره
تخمی ده تخم نداده است بعضی حاصل کنندم که در دامنه کوه در زمین ششزار کاشته بودند حالا رسیده و درو شده بود
ولی زراعت سایر اراضی از کنار رودخانه و زمین چاکی و چمن و عینبره هنوز نرسیده و بقدره میت روز دیگر کار داشت که بوقع
درو برسد و اغلبی هنوز سبزه بود اول رسیدیم به کمر که این رودخانه با اسم آن معروف است اصل ده در بعله کوه امشاده و خانواد
زیادی دارد اشجار و باغات ده در دست چپ جاده واقع است دست راست روی تپه جلوه بعضی از قصبه اعراب است
که در زمان مشغ ما نذران اینجا آمده و مرده اند بالای متبلنا مشخص ثاری هم داشت از اینجا که شش مری سنگی بالا رفتیم تمام
عرض راه حاصل زراعت آب و اشجار بود اما راه صعبی اردو رسیدیم به بر دون که در وسط دره تنگی واقع است دهی است
آباد خانوار زیاد و عمارات خوب و اشجار بسیار دره از این که گذشته می رود به و اثر کلا که آخر آبادی این ده است از ده اول تا اینجا کمر سنگ
راه است قدری از این گذشته و از پل چوبی عبور نموده توی زراعت اسپرس آفا که گردان دند پیاده شده قدری استراحت کردیم
ده کمر دره دارد قدری با سیر و دهی دیگر نیز پیدا است که شش اسراب میگویند خلاصه تا دو ساعت بغروب مانده در اینجا توقف نموده بعضی شجرات

و عراض شهر رسیده بود همه را ملاحظه نموده جواب نوشتیم فرستادیم و ساعت بغروب مانده سوار به بطرف ما

میرزا ابوترابخان نقاش مخصوص وزارت انطباعات مصور روزنامه شریفه شرف چون در مراقب صنعت و تکمیل انجیل رومی
کرده و شایسته التفاتی مخصوص بود محض مزید دگر می شمارالیه او را با عطا کتیبه نشان درجه چهارم خارج از فرزند محمد حسن

